

آموزش فنی و حرفه‌ای

Vocational Education

دربردارنده یادگیری است. اما بیان اینکه تعلیم و تربیت آماده‌شدن برای چیزی سودمند است، پرسش‌هایی درباره آموزش فنی و حرفه‌ای با خود به همراه دارد. زیرا روشن نیست که آماده‌شدن برای اشتغال به‌منظور دست‌یافتن به چیزی سودمند، لاقبل برای علایق شخصی، امری ضروری باشد. مسئله سودمندی بحث ماهیت و ارزش^۴ آموزش فنی و حرفه‌ای را در ذهن تداعی می‌کند و گاهی اوقات با پرسش‌هایی درباره ارزش کارورزی حرفه‌ای خلط می‌شود (به بخش بعدی این مدخل نگاه کنید).

اگر ما تعلیم و تربیت را سروکار داشتن با سه وجه اصلی زندگی انسان شامل زندگی فردی^۵، شهروندی^۶ و شغلی^۷ بدانیم، در این صورت آموزش فنی و حرفه‌ای باید از داشتن جایگاهی امن در معبد آموزشی خشنود باشد، اما در مجموع این‌گونه نیست. دلیل بسیار مهمی که فهم آن چندان دشوار نیست، این است که اشتغال خواه به‌صورت کار برای دیگران خواه برای خود، به‌لحاظ تاریخی به‌منزله بخشی از زندگی سودمند در نظر گرفته نشده است؛ بلکه تنها تمهیدی ممکن برای زندگی سومندی لحاظ شده است که دربردارنده اشتغال نیست. چنین دیدگاهی از زمان افلاطون و ارسطو نیز وجود داشته است، آنها معتقد بودند می‌تواند زندگی ارزشمند ترکیبی از فراغت^۸، مصاحبت دوستان^۹، تعهد مدنی^{۱۰}،

در ابتدا این مدخل مفهوم آموزش فنی و حرفه‌ای و جایگاه گسترده آن در زمینه زندگی سودمند را توضیح می‌دهد. آموزش فنی و حرفه‌ای، برخلاف کارآموزی^۱، کارکنان را آماده به کارگیری داوری مستقل^۲، نمایش دانش نظری و قبول مسئولیت در انجام طرح‌ها به‌شکل گروهی می‌کند، وظایفی که در کارآموزی برای تأمین آنها ناکافی است. به‌طورکلی از آنجایی که آموزش فنی و حرفه‌ای افراد را قادر به مشارکت کامل در زندگی مدنی و سهم‌شدن در شکوفایی استعدادهاشان می‌سازد، می‌تواند مؤلفه‌ای از عدالت اجتماعی به شمار آید. این امر برای نوع دیگر آموزش یعنی تعلیم و تربیت لیبرال نیز اعتبار دارد و باید برای اجرای شایسته آن به‌نحوی جدی برنامه‌ریزی کرد.

آموزش فنی و حرفه‌ای چیست؟

آموزش فنی و حرفه‌ای نوعی آماده‌سازی آموزشی^۳ برای اشتغال است. این نوع از آموزش به‌منزله آمایش آموزشی، مستلزم یادگیری و مشارکت در فعالیتی سودمند است یا لاقبل آن چیزی که شخص یا اشخاص حامی این نوع آموزش آن را سودمند می‌دانند. بنابراین، آموزش فنی و حرفه‌ای جنبه‌ای از آموزش در وجه بسیار کلی آن، یعنی آماده‌شدن برای زندگی سودمند

^۴. nature and value

^۵. individual

^۶. citizen

^۷. worker

^۸. leisure

^۹. the company of friends

^{۱۰}. Civic engagement

^۱. training

^۲. Independent judgment

^۳. educational preparation

تأمل^۱ و پرورش نفس^۲ باشد. بنابراین آنچه به طور کامل مشخص به نظر می‌رسد این است که آماده شدن برای مقاصد مدنی یا فردی امری تربیتی است و در ارزشمند بودن آنها هیچ‌گونه بحثی وجود ندارد، اما این امر در مورد آماده شدن برای اشتغال چندان بدیهی نیست. بسیاری استدلال کرده‌اند: تعلیم و تربیتی که قادر به تبیین نیازهای فردی دانش‌آموز نیست و امکان مشارکت او در جامعه مدنی را فراهم نمی‌آورد، نمی‌توان به منزله امری ارزشمند برای هرکس و در کل به منزله تعلیم و تربیت به شمار آید.

در کل ایده‌های فلسفی درباره تعلیم و تربیت، به تمرکز بر روی علایق و نیازهای گروه‌های حاکم در هر جامعه از الیگارش^۳ آتن گرفته تا نجیب‌زادگان و حکومت اشرافی به بریتانیای قرن هجدهم میلادی تمایل دارد. نظریه‌های تربیتی جدید رشد نسبی داشته است در تبیین نیازهای بخش بیشتر مردمی که برای زندگی نیاز به کارکردن دارند. الزامات این تغییر که برخاسته از رشد اقتصادهای صنعتی و ظهور مردم‌سالاری است، به طور معمول آن گونه که باید مورد توجه و استقبال نظریه‌پردازان تربیتی قرار نگرفته است.

آیا می‌توان چیزی کلی درباره هرگونه نهاد یا فرایندی گفت که بتوان آن را به خودی خود تربیتی نامید؟ هدف تمام جوامع این است که جوانان خود را به گونه‌ای پرورش دهند که آنها بتوانند در بزرگ‌سالی مناصبی را

به دست آورند. این امر دربردارنده کسب دانش و توانایی‌هایی است که آنها را به سوی زندگی سودمند هدایت می‌کند. اما دیدگاه مردم درباره زندگی سودمند و اینکه آیا زندگی افراد شاغل را می‌توان سودمند خواند، متفاوت است. البته قشر نخبه‌ای که اوقات فراغت دارد، اشتغال را گزینه سودمندی برای خود نمی‌داند، اگرچه در عین حال، معتقدند که برای برخی اعضای جامعه پیروی از مسیر اشتغال ضروری است و آماده شدن جهت حیات کاری، برای این افراد ارزشمند است. اما واقعیت این است که گروه قدرمند و مؤثری در جامعه وجود دارند که آموزش فنی و حرفه‌ای را انتخاب مرحله دومی می‌دانند که جذابیت آن نزد بقیه جامعه رو به افول است. بنابراین اگرچه آموزش فنی و حرفه‌ای ویژگی ضروری هر جامعه‌ای است که به لحاظ اقتصادی پیشرفته محسوب می‌شود، اما بالقوه مشکلات جدی در خصوص جذابیت کافی انتخاب آن از سوی کارفرمایان یا شاغلان وجود دارد.

راه حل کشورهای اروپای شمالی و آلمانی زبان این است که نه تنها باید اطمینان داشت که وجه تکنیکی آموزش فنی و حرفه‌ای به طور کامل دقیق و مرتبط با محل کار رعایت شود بلکه ابعاد لیبرال و شهروندی^۴ تعلیم و تربیت نیز باید در این میان دخیل باشند. این راهبرد سودمند نخواهد بود، مگر آنکه به حرفه‌هایی ارجح نهاده شود که آموزش فنی و حرفه‌ای را حمایت می‌کنند، و از جایگاه به نسبت بالایی در جامعه برخوردار باشند، همان‌گونه که برای مثال، در آلمان و کشورهای

^۱. contemplation

^۲. self-cultivation

^۳. oligarchs of Athens

^۴. liberal and citizenship

کلان (طرح‌ها) باشند. کارورزی به‌خودی‌خود تمهیدی ناکافی برای چنین نقشی است. توانایی اداره کردن ماحصل آموزش فنی و حرفه‌ای از آن نوعی است که در اروپای شمالی وجود دارد و به‌منزله بخشی از عملکرد ماهرانه دربردارنده چیزی بسیار بیش از کاربرد مهارت یا حتی داوری است.

اما آماده‌شدن برای هرگونه اشتغالی می‌تواند با کارورزی برآورده شود که دربردارنده انجام وظایفی است که هرچند اندک مستلزم قوه تمیز و داوری درباره استقلال یا مسئولیت محیط کار، بدون رشد فنی، فردی یا مدنی است. در واقع اکثر آنچه برای آموزش فنی و حرفه‌ای در کشورهای انگلیسی زبان رخ داده است، دربردارنده چیزی بیش از کارورزی نیست. اما این موضوع نباید باعث این تفکر اشتباه شود که آموزش فنی و حرفه‌ای باید با کارورزی همسان انگاشته شود. درحالی‌که کارورزی شامل آماده‌شدن برای انجام وظایف خاص است، آموزش فنی و حرفه‌ای در جامع‌ترین معنا آماده‌شدن برای آن بخشی از زندگی است که دربردارنده اشتغال است. ازسوی دیگر آنچه گیلبرت رایل^۵ فیلسوف درباره تمرین گفته است، دربردارنده القاء عملکردی مطمئن و همیشگی است که فاقد قوه تمیز و داوری است. متأسفانه آماده‌شدن برای اشتغال نیازمند اندکی بیش از تمرین است.

بدیهی است که اشتغال دربرگیرنده دانستن چگونگی^۶ مهارت است. اما چگونه باید دانستن چگونگی را

آموزش فنی و حرفه‌ای و کارورزی^۱

اغلب آموزش فنی و حرفه‌ای با کارورزی حرفه‌ای^۲ یا حتی با کارورزی به‌شکل کلی یکسان انگاشته می‌شود. کارورزی^۳ شامل مهارت‌هایی است که منجر به اجرای مطمئن وظایف محوله می‌شود و بخش ضروری هرگونه آموزشی است. آموزش فنی و حرفه‌ای از تمرین^۴ متمایز است که شامل القای رفتار است و مستلزم هیچگونه داوری ازسوی افراد در خصوص انجام کارها نیست (Ryle, ۱۹۴۹). تمرین در آموزش فنی و حرفه‌ای اهمیت دارد، اما به‌طور دقیق به‌این‌خاطر که آموزش فنی و حرفه‌ای مستلزم کاربرد دانش به‌خصوص دانش نظام‌مند یا نظری) در عمل است، ازاین‌رو مؤلفه‌ای مدنی و به‌لحاظ فردی جهت‌دار محسوب می‌شود و درعین‌حال تمرین به‌حساب نمی‌آید. اما واقعیت این است که آموزش فنی و حرفه‌ای دانش آموزان و کارآموزان را آماده اجرای مسئولانه و مستقل در محیط کار می‌کند و این امر آن را از کارورزی متفاوت می‌کند. کارکنان تربیت‌شده باید نه‌تنها به‌شکلی ماهرانه عمل کنند و در جریان اجرای فعالیت‌های خود داوری کنند، بلکه همچنین از آنها انتظار می‌رود، درحالی‌که با تیم‌های دیگر کارکنان همکاری می‌کنند، قادر به طراحی، کنترل، هماهنگی و ارزیابی عملکردها در سطوح گسترده و

^۱. Vocational Education and Training

^۲. vocational training

^۳. Training

^۴. drilling

^۵. Gilbert Ryle

^۶. know-how

بفهمیم؟ پاسخ مؤثر جیسون استتلی و تیموتی ویلیامسون این است که، دانستن چگونگی متشکل از دانستن این است که شیوه‌ای برای انجام مناسب وظیفه وجود دارد. با وجود شایستگی‌های فلسفی زیاد این پاسخ، به ظاهر دانستن چگونگی با مهارت فنی^۱ یکسان انگاشته شده است. اما مسائلی در خصوص این تبیین وجود دارد به این خاطر که به نحو دقیق میان دانستن چگونگی با مهارت فنی این‌همانی وجود ندارد.

نخست اینکه کسی می‌تواند در موقعیت خاص در انجام برخی کارها مهارت فنی داشته باشد بدون اینکه به واقع قادر به انجام آن کار در شرایط مناسب دیگر باشد. بنابراین، ممکن است من قادر به ساختمان‌سازی در محیط دانشسرا باشم، اما نتوانم چنین کاری را در موقعیت ساختمانی دیگر (جایی که در نهایت کاربرد فن، در آن مورد نیاز است) انجام دهم. مسئله دوم اینکه، ممکن است بدانم چگونه باید کاری را انجام دهم (مانند به زمین نشان دادن هواپیمایی که مهندسان دیگر قادر به انجام آن نیستند) بدون اینکه مهارت فنی مناسبی برای انجام چنین کاری داشته باشم. در چنین موردی فن را برای موقعیتی خاص طراحی کرده‌ام و برای طراحی آن، فنون خاصی در اختیار نیست. اکثر آنچه ما «کار ماهرانه»^۲ می‌نامیم در مقوله قبلی و «تخصص»^۳ در مقوله بعدی قرار گیرد. اگر چنین گزاره‌ای قابل دفاع باشد در این صورت اغلب دانستن چگونگی حرفه

مستلزم چیزی بیش از مهارت فنی است. دوم اینکه بسیاری از عملکردها مستلزم دانش نظری است. چگونه می‌توان این امر را تبیین کرد؟ یک پاسخ این است که دانش نظری قواعدی را برای انجام عمل به وجود می‌آورد و شاغلان، نیازمند درک و پیروی از این قواعد هستند بدون اینکه پس‌زمینه نظری آن را بدانند. پاسخ دیگر این است که شاغلان به‌منظور داوری درباره آنچه‌که باید انجام دهند، نیازمند درک نظریه هستند. کدام درست می‌گویند؟ در مورد اول پاسخ می‌تواند این باشد که اگر تمام آنچه در دسترس آنها قرار دارد، تجویزهایی برای عمل کردن باشد، چنین افرادی قادر نیستند به‌نحو کاملاً انعطاف‌پذیر عمل کنند. می‌توان در مورد دوم ادعا کرد که اگر شاغلان در اغلب موارد، نیازی به کاربرد این نظریه‌ها نداشته باشند، نیازمند تعلیم و تربیت گران و طولانی درباره نظریه‌های فنی نیستند. این واکنش‌های رقیب نشان دهنده تفاوت میان آموزش فنی و حرفه‌ای و کارورزی است. در نمونه اول قواعد باعث می‌شود تا شاغلانی که تربیت شده‌اند به‌لحاظ عملی تاحدی درگیر تبیین تغییرات اندک در شرایط عملی شوند. در نمونه دوم، از کارگر حرفه‌ای متخصص انتظار می‌رود تا میزان چشمگیری از قوه تمیز و داوری خود را به کار گیرد و صلاحیت از عهده برآمدن موقعیت‌هایی پیش‌بینی نشده‌اند و پیچیده هستند را داشته باشد. رویکرد دولت یا کارفرما در خصوص تمهیدات لازم برای انجام کار، بازتاب نگرش کلی درباره آن نوع مستخدمی است که دولت یا کارفرما او را برای شغل خاص مناسب می‌داند.

^۱. mastery of technique

^۲. skilled work

^۳. expertise

ساختارهای حاکم بر آنها ایفای نقش کنند. این بدین معنی است که باید آموزشی‌هایی ببیند که فقط در حوزه موضوعات فنی نباشد بلکه طیف گسترده‌تری از موضوعات را دربرگیرد که به افراد اجازه دهد تا علایق خود را به نحوی مستقل رشد دهند و بتوانند دریابند که جامعه آنها چگونه عمل می‌کند یعنی آنها باید از دانش‌هایی همچون تاریخ، ریاضیات، علم طبیعی و زبان خارجی بهره‌مند شوند؛ برای مثال، به‌طور معمول چنین شرایطی در بسیاری از کشورهای اروپایی وجود دارد. به‌طور جدی اگر آموزش فنی و حرفه‌ای به‌منزله مسیری به‌سوی پرورش شهروند مستقل و مسئول در نظر گرفته شود، می‌توان آن را با نام تعلیم و تربیت لیبرال مرسوم به اکثر جوانان عرضه کرد. اما شرایط وقوع این امر می‌تواند، مشکلاتی را به همراه داشته باشد. سهامداران گوناگون بسیاری از جمله کارفرمایان و کارکنان و همچنین دولت لازم است تا جامعه را نسبت به ارزش آموزش فنی و حرفه‌ای و پای‌بندی به آن متقاعد کنند. این امر به‌نوبه خود به این معنی است که جامعه لازم است تا برای کار مسئولانه و شهروندان آگاه ارزش قائل شود. به‌طور معمول متأسفانه این شرایط برآورده نمی‌شوند و بارها، موانع فرهنگی و تعصبات تاریخی ریشه‌دار وقوع چنین امری را منتفی کرده‌اند. باین‌حال خود آموزش فنی و حرفه‌ای به‌طور عمومی گونه‌ای پذیرفته شده از آموزش است که، به‌طور کامل جا افتاده است.

مترجم: محسن بهلولی فسخودی

منابع

Phillips, D.C. (Ed) (۲۰۱۴), "Vocational Education", Christopher Winch *Encyclopedia of Educational Theory and Philosophy*, London: Sage Publications, Inc.

عدالت و آموزش فنی و حرفه‌ای^۱

اگرچه بدیهی است آموزش فنی و حرفه‌ای با آماده کردن آتی افراد برای اشتغال سروکار دارد، بحث ما اشاره به این داشت که این تنها هدف آموزش فنی و حرفه‌ای نیست. اهداف خاص آموزش فنی و حرفه‌ای با تعدادی از شیوه‌های عدالت اجتماعی، رشد فردی و مسئولیت مدنی ارتباط تنگاتنگ دارد.

اگر ما در نظر داشته باشیم که عدالت تاحدی درباره اعطای فرصت‌های برابر به افراد برای مشارکت کامل آنها در اجتماع است، در این صورت آموزش فنی و حرفه‌ای باید مقدم بر تعدادی از سطوح باشد. نخست باید افراد را قادر به کارکردن در مشاغل مناسب، رضایت‌بخش و با پرداخت مناسب کند. این قسمت باید مورد توجه بخش فنی آموزش فنی و حرفه‌ای باشد، اما تنها معطوف به بخش فنی نماند. دوم اینکه، این نوع آموزش باید قادر به رشد افراد باشد، کسانی که بتوانند مسیر زندگی خود را ترسیم و آن را کنترل کنند. این بدین معناست که آنها باید آماده کار شوند اما به شیوه‌ای که آماده‌شدن تأثیر وسیعی بر زندگی آنها داشته باشد و اجازه دهد تا حس استقلال و مسئولیت روزافزون خود نسبت به سایر وجوه زندگی را گسترش دهند. اما این نوع از آموزش همچنین باید به آنها امکان دسترسی به دانش قدرتمند را بدهد، یعنی دانشی که به آنها اجازه دهد تا در هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، اتحادیه‌های صنفی، انجمن‌ها و

^۱Justice and Vocational Education